

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**



# دانشنامه سیره نبی

بخش اول

صحابه رسول خدا (ص)

آبی الحُمَّغْفارِی - ابو یونس طَنَفَرِی

گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دانشنامه سیره نبوی/گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.

ج. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۵۲: تاریخ اسلام؛ ۳۹)

ISBN: 978-600-5486-30-8

بهاء: ۷۵۰۰۰ ریال.

فهرستنويسي بر اساس اطلاعات فیبا.

كتابنامه.

مندرجات: ج. ۱. صحابه رسول خدا(ص).

۱. محمد(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. — دائرةالمعارف‌ها. ۲. اسلام — تاریخ — از آغاز تا ۱۱ ق. — دائرةالمعارف‌ها. ۳. اسلام — سرگذشت‌نامه. ۴. سرگذشت‌نامه‌نویسان. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۹۲/۲۹۷

BP ۲۲ / ۲ ۱۳۸۹

۱۹۵۳۰۶۴

شماره کتابشناسی ملی:



### دانشنامه سیره نبوی

تأليف: گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار ۱۵۲، تاریخ اسلام ۳۹)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ اول: بهار ۱۳۸۹

تعداد: ۲۵۰۰ نسخه

ليتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قيمت: ۷۵۰۰ تoman

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: بلوار محمد امین (ص)، بلوار جمهوری اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ☎ تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱-۳۷۱۸۵۳۱۵۱ (انتشارات ۲۹۰۶۰۳۰) نمبر: ۰۹۰۹۳۱۰ و ۰۹۰۹۳۱۰، ص.پ. تهران: خانه انقلاب، بین وصال و قدس، نیش کوی اُسکو ☎ تلفن: ۰۶۴۰۲۶۰۰

## سخن پژوهشگاه

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه یکی از مؤسسات پژوهشی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که با برخورداری از حیثیت حوزوی -دانشگاهی و همکاری با این دونهادکشوری می‌کوشد بستری مناسب برای انجام پژوهش‌های علوم انسانی از منظر اسلام فراهم آورد. این پژوهشگاه با تشکیل گروه‌های مختلف در رشته‌های علوم انسانی و فعالیت علمی و تحقیقی قریب به سه دهه دارای دستاوردهای علمی قابل توجهی در توسعه همه‌جانبه مطالعات حوزوی و دانشگاهی در عرصه دین و علوم انسانی است.

### اهداف پژوهشگاه

۱. توسعه و گسترش پژوهش در زمینه تبیین دیدگاه‌های اسلامی در موضوعات و مسائل علوم انسانی؛
۲. زمینه‌سازی مناسب برای ارتقای فعالیت‌های پژوهشی مرتبط.

### وظایف و اختیارات پژوهشگاه

۱. بررسی و شناسایی نیازهای پژوهشی در زمینه مطالعات بین‌رشته‌ای در حوزه دین و علوم انسانی و تعریف رشته‌های جدید تحصیلی براساس آن؛
۲. اجرای طرح‌های پژوهشی بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای به منظور تحقق اهداف پژوهشگاه؛
۳. فراهم آوردن امکانات لازم و مناسب با فعالیت‌های پژوهشی مرتبط؛
۴. همکاری پژوهشی با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی داخل و خارج کشور به منظور ارتقای کیفیت فعالیت‌های پژوهشی در زمینه علوم انسانی با رعایت قوانین و مقررات مربوط؛
۵. ارائه خدمات مشاوره‌ای به اشخاص حقیقی و حقوقی براساس نتایج فعالیت‌های علمی و پژوهشی انجام شده در پژوهشگاه؛
۶. انتشار مجله، کتاب علمی، جزوه آموزشی، تولید نرم‌افزار و برنامه‌های رایانه‌ای مناسب با اهداف پژوهشگاه طبق ضوابط و مقررات مربوط؛
۷. برگزاری همایش‌های علمی و ارائه دستاوردهای پژوهشی در قالب کارگاه‌های آموزشی با رعایت ضوابط و مقررات مربوط؛
۸. برگزاری دوره‌های آموزشی تحصیلات تکمیلی در حوزه مأموریت پژوهشگاه، با مجوز شورای گسترش آموزش عالی.

### معرفی گروه تاریخ

گروه تاریخ یکی از گروه‌های فعال پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است که در سال ۱۳۷۲ تأسیس شد. فعالیت‌های علمی این گروه تا سال ۱۳۸۸ در محورهای ذیل بوده است:

۱. تأليف و انتشار ۳۷ کتاب در حوزه تاریخ اسلام، تاریخ تشیع، منبع‌شناسی، تاریخ‌نگاری، تاریخ محلی و روش‌شناسی که برخی از آنها چند بار تجدید چاپ شده است؛
۲. تأليف بیش از ۸۵ مقاله علمی در مجلات معتبر؛
۳. برگزاری ۱۲ همایش و نشست علمی در حوزه مطالعات تاریخی؛
۴. انتشار دو ویژه‌نامه؛
۵. احراز جوایز و رتبه‌های مختلف در جشنواره‌های کشوری؛
۶. بیش از بیست طرح در سال ۸۷-۸۸ که دو طرح بزرگ آن عبارت‌اند از دانشنامه سیره نبوی و مجموعه پانزده جلدی تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی؛ بیشتر این طرح‌ها منتشر و یا مراحل نهایی را می‌گذرانند؛
۷. همکاری با مؤسسات و مراکز علمی، آموزشی و پژوهشی حوزوی و دانشگاهی.

### معرفی اعضای گروه تاریخ

- حجت‌الاسلام والمسلمین رسول جعفریان؛ استاد و محقق برجسته تاریخ اسلام و ایران، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مدیر کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران و مؤلف کتاب‌ها و مقالات ارزشمند تاریخی.
- حجت‌الاسلام والمسلمین رحمت الله بانشی؛ دارای تحصیلات خارج فقه و اصول و کارشناسی ارشد رشته تاریخ تشیع، پژوهشگر تاریخ اسلام.
- حجت‌الاسلام والمسلمین حسین حسینیان مقدم؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دارای تحصیلات خارج فقه و اصول و تألیفات و مقالات متعدد در زمینه تاریخ اسلام و تشیع.
- حجت‌الاسلام والمسلمین محمود حیدری آقایی؛ دارای تحصیلات خارج فقه و اصول و کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام و تألیفات و مقالات متعدد در زمینه تاریخ اسلام و تشیع.
- حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم خانجانی؛ دارای تحصیلات خارج فقه و اصول و تألیفات و مقالات متعدد در زمینه تاریخ اسلام و تشیع.
- دکتر منصور داداش‌نژاد؛ دارای تحصیلات خارج فقه و اصول و تألیفات و مقالات متعدد در زمینه تاریخ اسلام و تشیع.
- رسول قلیچ؛ دارای تحصیلات خارج فقه و اصول و کارشناسی ارشد رشته تاریخ تشیع، پژوهشگر تاریخ اسلام و تشیع.
- حجت‌الاسلام والمسلمین رمضان محمدی؛ دارای تحصیلات خارج فقه و اصول و کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام و تألیفات و مقالات متعدد در زمینه تاریخ اسلام و تشیع.
- حجت‌الاسلام والمسلمین حسین مرادی‌نسب؛ دارای تحصیلات خارج فقه و اصول و کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام و تألیفات و مقالات متعدد در زمینه تاریخ اسلام و تشیع.
- حجت‌الاسلام والمسلمین محمد رضا هدایت‌پناه؛ عضو هیئت علمی و مدیر گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، دارای تحصیلات خارج فقه و اصول و تألیفات و مقالات متعدد در زمینه تاریخ اسلام و تشیع.
- اسماعیل یارمحمدی؛ کارشناس امور پژوهشی گروه.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند که از مدیران سابق گروه، آقایان رسول جعفریان و حسین حسینیان مقدم و دکتر منصور داداش‌نژاد و مدیر فعلی گروه، آقای محمد رضا هدایت‌پناه و مؤلفان محترم و کلیه کسانی که ما را در ساماندهی این اثر یاری کردند، تشکر و قدردانی نمایند.

## ساختار علمی دانشنامه سیره نبوی

### الف) سرپرستی علمی و سروبراستاری

وظیفه سرپرست علمی و سروبراستار، نظارت بر جریان تألیف، از طرح و برنامه ریزی و پژوهش تانگارش و ویراستاری است. این مسئولیت در جلد اول بر عهده حجت‌الاسلام والملمین رسول جعفریان بوده است.

### ب) مدیر اجرایی

مدیریت و هماهنگی بین بخش‌های مختلف علمی و امور اجرایی، از وظایف این مدیریت است. این مسئولیت در جلد اول بر عهده حجت‌الاسلام والملمین قاسم خانجانی بوده است.

### ج) شورای علمی

سیاست‌گذاری کلان و بررسی مشکلات و یافتن راه حل آنها و ایجاد هماهنگی‌های لازم، وظیفه این شورا است. اعضای این شورا عبارت‌اند از آقایان:

دکتر صادق آیینه‌وند؛

حجت‌الاسلام والملمین رسول جعفریان؛  
حجت‌الاسلام والملمین حسینیان مقدم؛  
دکتر منصور داداش‌نژاد؛  
دکتر اصغر منتظرالقائم؛  
حجت‌الاسلام والملمین محمد رضا هدایت‌پناه؛  
حجت‌الاسلام والملمین استاد محمد‌هادی یوسفی غروی.

### د) بخش گزینش عناوین

استخراج عناوین و تنظیم و بررسی آنها و گزینش مدخل‌ها پس از مشورت با شورای علمی و موافقت با سروبراستار، وظیفه این بخش است. مسئولیت این بخش بر عهده حجت‌الاسلام والملمین رمضان محمدی بوده است.

### ه) بخش پرونده علمی

وظیفه این بخش، شناسایی و تعیین منابع لازم برای تألیف مدخل‌ها و تهیه کپی از آنها و گردآوری در یک پرونده است که در اختیار نویسنده قرار می‌گیرد. وظیفه این بخش بر عهده گروه تاریخ بوده است.

### و) بخش بررسی

وظیفه این بخش، بررسی صحت ارجاعات، ذکر منابع و بازبینی مأخذ است که این وظیفه را آقایان رسول قلیچ و رحمت الله بانشی بر عهده داشته‌اند.

### **ز) بخش ویراستاری**

ویراستاری فنی و شکلی مدخل‌ها وظیفه این بخش است که بر عهده اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه بوده است.

### **ح) بخش نشر**

نظرارت بر تایپ، صفحه‌آرایی و سایر امور چاپ و نشر، وظیفه این بخش است که بر عهده اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه می‌باشد.

## **مؤلفان و همکاران علمی**

دکتر اسماعیلی، مهران؛ مؤلف

دکتر الله اکبری، محمد؛ مؤلف

حجت الاسلام والمسلمین بانشی، رحمت الله؛ مؤلف

حجت الاسلام والمسلمین جعفریان، رسول؛ سرپرست علمی و سرویراستار، مدیر سابق گروه و مؤلف

حجت الاسلام والمسلمین حسینیان مقدم، حسین؛ ویراستار علمی و مؤلف

حجت الاسلام والمسلمین حیدری آقایی، محمود؛ ویراستار علمی و مؤلف

حجت الاسلام والمسلمین خانجانی، قاسم؛ مدیر اجرایی، ویراستار علمی و مؤلف

دکتر داداش نژاد، منصور؛ ویراستار علمی و مؤلف

دکتر رحمتی، محمد کاظم؛ مؤلف

سامانی، سید محمود؛ ویراستار علمی و مؤلف

صادقی، مصطفی؛ ویراستار علمی و مؤلف

حجت الاسلام والمسلمین غفوری، محمد؛ مؤلف

قلیچ، رسول؛ مؤلف

حجت الاسلام والمسلمین محمدی، رمضان؛ ویراستار علمی و مؤلف

حجت الاسلام والمسلمین مرادی نسب، حسین؛ ویراستار علمی و مؤلف

دکتر منتظرالقائم، اصغر؛ ویراستار علمی

حجت الاسلام والمسلمین هدایت پناه، محمد رضا؛ ویراستار علمی و مؤلف

سرکار خانم طیبی، ناهید؛ مؤلف

## **همکاران اجرایی**

مرتضوی، سید حسین؛ همکار بخش چاپ و نشر

علی عسکری، سعید رضا؛ سرویراستار مطبعی

سوری، محمود؛ ویراستار ادبی

یارمحمدی، اسماعیل؛ کارشناس امور پژوهشی



## پیشگفتار گروه

چنان‌که می‌دانیم رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> از سوی خداوند متعال به عنوان بهترین الگو برای بشر معرفی شده و با «اسوءة حسنة» دانستن آن حضرت در آیه شریفه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أَشْوَأَ حَسَنَةً»، بر الگوبرداری انسان‌ها از زندگی ایشان تأکید شده است. تأکید خداوند، مسلمانان را بر آن داشت تا زندگی آن حضرت رامطالعه و بررسی کنند و ایشان را سرمشق والگوی زندگی خود قرار دهند. مطالعه و بررسی زندگی رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> و دقت در تمام زوایای حیات آن حضرت، پس از رحلت ایشان اهمیتی مضاعف یافت تا آنجا که به پیدایش رشته‌ای علمی با نام «سیره رسول خدا<sup>علیه السلام</sup>» انجامید و از صدر اسلام تاکنون، در این زمینه هزاران اثر به رشتۀ تحریر درآمده است که از جمله آنها می‌توان به داثره‌المعارف‌های پیرامون سیره اشاره کرد. این منابع اگرچه بدون نقص نیستند، بسیاری از اطلاعات مورد نیاز در این عرصه را می‌توان از آنها به دست آورده. با این حال، تاکنون منبع کاملی که آگاهی‌های مورد نیاز را گرد آورده باشد و بتوان بر آن اعتماد کرد و نیز به زبان فارسی و امروزی باشد، نگاشته نشده است. بر همین اساس و به عزم دستیابی به متنی استوار و تا حد امکان پیراسته از کاستی‌ها، نگارش دانشنامه سیره نبوی، تلاشی باشته به نظر رسید و در دستور کار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قرار گرفت. این دانشنامه از پنج بخش، شامل صحابه؛ اماکن؛ قبایل، گروه‌ها و خاندان‌ها؛ و مفاهیم و ایام و حوادث تشکیل شده است، بدان سبب که بر این باوریم این تقسیم‌بندی می‌تواند بیشترین اطلاعات مربوط به سیره رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> را در اختیار ما قرار دهد.

### پیشینه طرح دانشنامه سیره نبوی

گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، از سال ۱۳۷۸ کار پژوهش در تاریخ اسلام را به تدریج آغاز کرد و تاکنون نزدیک به سی اثر به صورت تألیف و ترجمه منتشر کرده است. یکی از اهداف این گروه آن بود که به صورت تخصصی در زمینه سیره نبوی تحقیق کند. با همین هدف، به پیشنهاد حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر هدایت پناه در سال ۱۳۸۰ طرح عظیم دانشنامه سیره نبوی مطرح و پس از تصویب در شورای گروه نگارش آن آغاز شد.

پایه این طرح بر آن قرار گرفت که تمامی اطلاعات مربوط به سیره نبوی، طبقه‌بندی و همراه با تحقیقات نوین و زیرمدخل‌هایی ارائه شود. روشن بود در یک گروه کوچک هشت نفره، امکان انجام این طرح بزرگ وجود نداشت. از این‌رو، قرار شد اصل طرح به چند بخش تقسیم شود و در گام نخست، بخشی از آن اجرا گردد. بخشی که انتخاب شد، شرح حال اصحاب رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> بود؛ کاری که پیشینه‌ای کهن داشت و در قالب جدید باید در سطحی بهتر و بالاتر اجرا گردد.

پیش از شروع کار، همزمان با تدوین شیوه‌نامه، نگارش برخی از مدخل‌ها به صورت تجربی آغاز شد. اما اصل کار از سال ۱۳۸۲ صورت جدی‌تری به خود گرفت.

هدف کلی ما در بخش زندگی نامه اصحاب آن است که با ملاحظه متون مهمی که اهل سنت نگاشته‌اند، و نیز بر اساس مطالبی که در دیگر متون شیعه و سنتی در اختیار است، تحقیق تازه‌ای ارائه کنیم. بر این باوریم که آنچه آماده شده، از سطح آنچه در گذشته انجام گرفته، بسیار بالاتر است، ولی هنوز با آنچه مطلوب است، فاصله دارد.

باید توجه داشت که زندگی صحابه، بخشی از سیره نبوی است، اما چنان نیست که به آنان نظر قدسی داشته، و آن نظر را بر تحقیقات خود حاکم کرده باشیم. صحابه از نظر ما انسان‌هایی مانند دیگران هستند که امتیاز رؤیت رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> را داشته‌اند. بسیاری از آنان، در آن روزگار برای رواج اسلام تلاش کردند، ولی چنان نیست که هر اقدامی که کرده باشند، قابل دفاع باشد. ما کوشیده‌ایم منصفانه و براساس منابع، این مسئله را پیگیری کنیم و با طبقه‌بندی آنچه در منابع موجود در این‌باره آمده است، اطلاعات را در گام نخست ارائه کرده و در ادامه، با تحلیل داده‌ها به صورت دائرةالمعارف در اختیار خوانندگان قرار دهیم. با توجه به آنکه صحابه، صرف نظر از مثبت یا منفی بودنشان، نقش بسیاری در شکل‌گیری تاریخ صدر اسلام داشته‌اند و نیز بدان سبب که شناخت این افراد برای شناخت و تحلیل حوادث دوره رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> اهمیت بسیاری داشت، بخش نخست این دانشنامه به صحابه اختصاص یافت و بخش‌های چهارگانه دیگر به زمانی دیگر موكول شد.

## شكلگیری طرح

در سامان یافتن این طرح، ملاک‌ها و نکته‌هایی را در نظر داشته‌ایم که لازم است به برخی از آنها اشاره شود:

۱. مدخل‌ها پس از گزینش، براساس حروف الفبای فارسی تنظیم شده‌اند. از این‌رو، برخلاف برخی از منابع که کنیه‌ها را جداگانه آورده‌اند، کنیه‌ها به ترتیب حروف در حرف الف «ابو...» قرار گرفته‌اند. بخشی از دشواری کار، آن هم در آغاز راه، به همین دلیل بود؛ زیرا در برخی از کنیه‌ها ابهام، تصحیف یا اشتباه وجود داشت و از آنجاکه بخش عظیمی از نام‌ها در حروف بعدی قرار دارند، تشخیص و تطبیق کنیه‌ها براسامی، دشواری‌های خاصی دارد و تحقیق در این‌باره، مستلزم صرف زمان بسیاری است.
۲. برخی اسامی یا کنیه‌ها، با اسامی یا کنیه‌های دیگر مشترک است که آنها را -طبق قاعده معمول در تدوین دانشنامه‌ها - به نام یا کنیه شناخته شده ارجاع می‌دهیم.
۳. از آن‌رو که بسیاری از جلد نخست این طرح به کنیه‌ها اختصاص دارد و کنیه‌ها عموماً افراد ناشناخته‌ای هستند، ممکن است بخشی از تحقیق، خسته کننده یا بدون ضرورت به نظر رسد، ولی التزام به ارائه پژوهشی جامع، پرداختن به نام‌های ناشناخته را ضروری ساخت.
۴. شرح حال زنان صحابی، شامل اسامی و کنیه‌ها، مانند شیوه صحابه‌نگاران گذشته، در بخش ویژه زنان قرار خواهد گرفت.
۵. در نگارش مدخل‌ها، تلاش بر آن است تا از نگاه واقع‌نگری در منابع دورنشویم و هرگونه پیشداوری را در حد امکان از محدوده تحقیقات دورسازیم.
۶. منابعی که کاربرد زیاد داشته و به طور مکرر از آنها استفاده شده است، در پایان هر مدخل بدون مشخصات نشر آمده‌اند. البته در ابتدای هر جلد مشخصات نشر این منابع را می‌آوریم.
۷. سامان یافتن این طرح به عهده گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه بوده است، ولی در مواردی محدود، از محققان خارج از گروه نیز استفاده شده و می‌شود.
۸. به دلیل گروهی بودن کار و متفاوت بودن قلم‌ها، بسا اعمال سلیقه‌ها و نواقصی وجود خواهد داشت که این امری طبیعی است.

## ویژگی کلی نگارش مقاله یا مدخل

۱. در نگارش مقاله، اتقان متن، صحت و قوّت مستندات و بهره‌گیری از منابع و مأخذ معتبر و متنوع، اهمیت بسیار دارد.

۲. تا حد امکان از نقل قول مستقیم، به ویژه نقل قول طولانی پرهیز خواهد شد، مگر در موارد ضروری که خلاصه نقل قول‌های طولانی در داخل پرانتز و با قید «اقتباس» از منبع مربوطه می‌آید.
۳. هر مقاله در این دانشنامه استقلال دارد. از این‌رو، اطلاعاتی که داده می‌شود، جامع و مستقل بوده و پژوهش در همان موضوع مقاله تمرکز دارد.
۴. از کاربرد مفاهیم و القابی که برای ارزش‌گذاری و جرح و تعدیل افراد به کار می‌رود، پرهیز می‌شود.

### ویژگی‌های نگارش مقاله یا مدخل در بخش مربوط به صحابه

در نگارش مقاله یا مدخل در این بخش حتی المقدور نکات ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

۱. در متن مقاله یا مدخل، شرح حال اصحاب در دوران نبوی و پس از آن به‌طور جامع و مختصر و با ملاحظه ترتیب زمانی حوادث آورده می‌شود. اطلاعاتی که باید بدان پرداخته شود عبارت‌اند از: نام، نسب، کنیه و لقب، تیره و قبیله، زندگی پیش از اسلام به اختصار، اسلام آوردن، دلایل صحابی بودن فرد، از جمله ملاقات با رسول خدا ﷺ یا شنیدن حدیث از ایشان، دوران مکه، هجرت، شرکت در غزوات و سرایا، سرانجام و درگذشت، همسر و فرزندان، نقل حدیث از رسول خدا ﷺ و....
۲. اگر صحابه‌ای نقش مهمی در حادثه‌ای ایفا کرده باشد، به‌طور مفصل ذکر می‌گردد.
۳. اصحابی که خاندان آنان نیز نقش سیاسی اجتماعی فعالی در عصر رسالت و خلفاً داشته‌اند، به نقش خاندان ایشان پس از درگذشت خودشان اشاره می‌شود.
۴. موقعیت اجتماعی صحابه پیش و پس از اسلام و در دوران خلفاً بیان می‌شود.
۵. مناصب اجتماعی صحابه در قبل و بعد از اسلام، مانند سقایت حاجیان، امارت کوفه و... آورده می‌شود.
۶. سابقهٔ فکری صحابه پیش از اسلام بیان می‌شود.
۷. اندیشه‌های صحابه در عصر رسالت و پس از آن مقایسه می‌شود.
۸. به ارتباط خویشاوندی اصحاب با یکدیگر اشاره شده، اگر این ارتباط در ایجاد حوادث نقشی داشته، بیان می‌شود.
۹. لباس و نحوهٔ خاص پوشش اصحاب بیان می‌شود.
۱۰. خصوصیات اخلاقی، ملکات نفسانی و ویژگی‌های علمی، مانند فقیه یا شاعر بودن و موارد دیگر و نیز اذن داشتن در فتواو مانند آن بیان می‌شود.
۱۱. نظرات خاص کلامی - فقهی صحابه که مطابق با نظرات شیعه است، بیان می‌شود. مانند قول به خمس، عمره، وضع، تجهیز و تکبیر بر میت و....
۱۲. اگر اطلاعات درباره یک صحابی اندک باشد، ولی در مورد فرزندان یا حتی نسل‌های بعدی او اطلاعات قابل توجهی - همچون وجود یک محدث در نسل او - در دست باشد، به آن اشاره می‌شود.
۱۳. شخصیت‌های برجسته خاندان صحابه ذکر می‌شود.
۱۴. آرامگاه صحابه، اهمیت و تحول تاریخی آن بیان می‌شود.
۱۵. تعداد روایات اصحاب و نام راویان مهم آنان ذکر می‌شود. اگر تعداد روایات کسی اندک باشد یا روایت او مبنای حکم فقهی شده یا نکته اخلاقی خوبی داشته باشد، به مضمون این روایات اشاره می‌شود. اما اگر تعداد روایات زیاد باشد، فقط به تعداد آن اشاره می‌شود.

## گردش کار

۱. عنوان مدخل‌ها پس از گزینش به پژوهشگر و اگذار می‌شود.
۲. پژوهشگر در مدت زمانی معین، مقالات مربوط به مدخل‌ها را بر اساس قواعد مصوب دانشنامه سیره نبوی می‌نویسد و به گروه بازمی‌گرداند.
۳. مقاله نوشته شده، برای ارزیابی و بررسی به برخی از اعضای گروه سپرده می‌شود.
۴. مقالات پس از ارزیابی، دوباره به نویسنده بازگردانده می‌شود و او موظف است طبق نظر گروه، اشکالات و نواقص را برطرف و مقاله را اصلاح کند.
۵. مقاله‌ها پس از تأیید مدیر محترم گروه، باید از سوی ارزیاب‌هایی که پژوهشگاه انتخاب می‌کند، بررسی شود.
۶. مقاله‌ها پس از ارزیابی و رفع نواقص احتمالی، وارد مرحله ویرایش و آماده‌سازی خواهد بود.
۷. نام هر پژوهشگر ذیل مقاله درج خواهد شد.

در پایان، لازم می‌دانیم از مسئولان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، به ویژه ریاست محترم پژوهشگاه، حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای علی‌رضا اعرافی و نیز معاونان محترم، اداره نشر و ویرایش، ویراستار و نمونه‌خوان و همه کسانی که در گردش کار و سامان یافتن این اثر ما را یاری کردند، تشکر و قدردانی نماییم.

گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

## مآخذ بدون مشخصات نشر

چنان که ذیل «شکل گیری طرح» اشاره شد، بخشی از مآخذ در این دانشنامه به طور مکرر استفاده شده است. برای جلوگیری از تکرار مشخصات نشر در پایان هر مدخل شایسته بود در ابتدای هر جلد مشخصات نشر این منابع به طور کامل ارائه شود. فهرست این مآخذ در ذیل می‌آید:

۱. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن (م. ۳۲۷)، الجرح والتعديل، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۳۷۳.
۲. ابن ابی عاصم، عمرو (م. ۲۸۷)، الآحاد والمثانی، تحقیق باسم فیصل احمد جوابرة، دار الدراية، ۱۴۱۱.
۳. ابن اثیر، علی بن محمد (م. ۶۳۰)، اسد الغابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵.
۴. ابن حبان، محمد (م. ۳۵۴)، کتاب الثقات، حیدر آباد هند، مؤسسه الکتب الثقافة، ۱۳۹۳.
۵. ابن حبیب بغدادی، محمد (م. ۲۴۵)، المحب، تصحیح سید کسری، قاهره، دارالغد العربي، ۱۴۲۱.
۶. ابن حبیب بغدادی، محمد (م. ۲۴۵)، المتنق فی اخبار قریش، تصحیح خورشید احمد فاروق، عالم الکتاب.
۷. ابن حجر، احمد بن علی (م. ۸۵۲)، الاصادیف فی تمییز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵.
۸. ابن حجر، احمد بن علی (م. ۸۵۲)، تقریب التهذیب، تحقیق مصطفی عبد القادر عطاء، بیروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵.
۹. ابن حجر، احمد بن علی (م. ۸۵۲)، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴.
۱۰. ابن حجر، احمد بن علی (م. ۸۵۲)، فتح الباری شرح صحيح البخاری، بیروت، دارالمعرفه.
۱۱. ابن حزم، علی بن احمد (م. ۴۵۶)، جمہرہ انساب العرب، بیروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۰۳.
۱۲. ابن سعد، محمد (م. ۲۳۰)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۰.
۱۳. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (م. ۴۶۳)، الاستیعاب، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵.
۱۴. ابن عساکر، علی بن الحسن (م. ۵۷۱)، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵.
۱۵. ابن قانع، عبدالباقي (م. ۳۵۱)، معجم الصحابة، تحقیق صلاح بن سالم مصراتی، مدینه منوره، مکتبة الغرباء الاشیریة، ۱۴۱۸.
۱۶. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل (م. ۷۷۴)، البداية والنهاية، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۴۰۸.
۱۷. ابن ماکولا، علی بن هبة الله (م. ۴۷۵)، الاکمال، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
۱۸. ابن هشام، عبدالمملک (م. ۲۱۸)، الاسیرة النبویه، تحقیق مصطفی سقا و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
۱۹. ابن یونس، عبدالرحمن (م. ۳۴۷)، تاریخ المصرین، تحقیق عبد الفتاح فتحی عبد الفتاح، بیروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۲۱.
۲۰. ابوالفرج اصفهانی (م. ۳۵۶)، الاغانی، تحقیق عبد علی مهنا و سمیر جابر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷.

- .٢١. ابونعيم، احمد بن عبدالله (م. ٤٣٠)، معرفة الصحابة، تحقيق عادل بن يوسف العزازى، رياض، دارالوطن للنشر، ١٤١٩.
- .٢٢. احمد بن حنبل (م. ٢٤١)، مسند احمد، بيروت، دار صادر.
- .٢٣. بخارى، محمد بن اسماعيل (م. ٢٥٦)، التاريخ الكبير، تحقيق محمد عبدالمجيد خان، بيروت، دارالفكر.
- .٢٤. بخارى، محمد بن اسماعيل (م. ٢٥٦)، صحيح البخارى، بيروت، دارالفكر، ١٤٠١.
- .٢٥. بَعْوَى، عبد الله بن محمد (م. ٣١٧)، معجم الصحابة، تحقيق محمد الامين الجكنى، كويت، مكتبة دارالبيان، ١٤٢١.
- .٢٦. بلاذرى، احمد بن يحيى (م. ٢٧٩)، أنساب الاشراف، تحقيق سهيل زكار، بيروت، دارالفكر، ١٤١٧.
- .٢٧. حاكم، محمد بن عبدالله (م. ٤٠٥)، المستدرك على الصحيحين، تحقيق يوسف المرعشلى، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٦.
- .٢٨. خليفة بن خياط (م. ٢٤٠)، التاريخ، تحقيق سهيل زكار، بيروت، دارالفكر، ١٤١٤.
- .٢٩. خليفة بن خياط (م. ٢٤٠)، الطبقات، تحقيق سهيل زكار، بيروت، دارالفكر، ١٤١٤.
- .٣٠. ذهبي، محمد بن احمد (م. ٧٤٨)، تجريد أسماء الصحابة، بيروت، دارالمعرفة.
- .٣١. ذهبي، محمد بن احمد (م. ٧٤٨)، سير أعلام النبلاء، تحقيق شعيب الاننوطي وحسين الاسد، مؤسسة الرساله، ١٤١٣.
- .٣٢. سمعانى، عبدالكريم بن محمد (م. ٥٦٢)، الانساب، تحقيق عبدالله عمر البارودى، بيروت، دارالجنان، ١٤٠٨.
- .٣٣. شامي، محمد بن يوسف (م. ٩٤٢)، سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، چاپ اول، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٤.
- .٣٤. طبراني، سليمان بن احمد (م. ٣٦٠)، المعجم الكبير، تحقيق حمدى عبدالمجيد السلفى، قاهره، مكتبة ابن تيمية.
- .٣٥. طبرى، محمد بن جرير (م. ٣١٠)، تاريخ الأمم والمملوك، تحقيق محمد أبوالفضل ابراهيم، بيروت، روانع التراث العربى.
- .٣٦. مِيزَى، ابوالحجاج يوسف (م. ٧٤٢)، تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، تحقيق سهيل زكار، دارالفكر، بيروت، ١٤١٤.
- .٣٧. مسلم بن حجاج نيسابورى (م. ٢٦١)، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر.
- .٣٨. واقدى، محمد بن عمر (م. ٢٠٧)، كتاب المغازى، تحقيق مارسدن جونس، بيروت، مؤسسة الأعلمى، ١٤٠٩.
- .٣٩. هيثمى، على بن ابى بكر (م. ٨٠٧)، مجمع الزوائد ومنع الفوائد، بيروت دارالكتب العلميه، ١٤٠٨.
- .٤٠. ياقوت حموى، ابوعبد الله بن عبدالله (م. ٦٢٦)، معجم البلدان، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٩٩.

# دانش صحابه‌نگاری

## تعريف صحابه

شناخت صحابه به دلیل احکام خاصی که دارند، موضوع بسیار مهمی برای اهل سنت است و برای این علم ارزش خاصی قائل‌اند.<sup>۱</sup> از این‌رو، سنگ بنای صحابه‌نگاری بر تعریف صحابه استوار است و از مهم‌ترین بحث‌های کلیدی و ریشه‌ای صحابه‌نگاری است. صرف نظر از دیدگاه علمای شیعه، از منظر علمای اهل سنت نیز می‌توان گفت پس از بحث‌های فراوان، هنوز تعریف جامع و مانعی برای این واژه بیان نشده است؛ چراکه اگر چنین می‌بود، اختلاف نظر درباره صحابی بودن برخی از گروه‌های اجتماعی و غیره میان صحابه‌نگاران مطرح نبود. این اختلاف، نه تنها از منظر دو نفر که دیدگاه واحدی در تعریف این واژه ندارند، بلکه گاه میان صحابه‌نگارانی که یک تعریف را پذیرفته‌اند، دیده می‌شود که نشان می‌دهد تعریف از صحابه کامل نبوده است. به هر حال، در مجموع تعریف‌هایی که برای صحابه گفته شده، چهار نگاه عملده وجود دارد: نگاه لغوی، نگاه عرفی، نگاه حدیثی و نگاه جامع.

## نگاه لغوی

بخاری، تعریف صحابه را در ابتدای کتاب *فضائل الصحابة* چنین گفته است: «من صحب النبي او رآه من المسلمين فهو من اصحابه».<sup>۲</sup> احمد بن حنبل، مراتب را در تعریف صحابه لحاظ کرده، اما حداقل آن را همان تعریف بخاری دانسته و گوید: هر کس با پیامبر یک سال یا یک ماه یا یک روز یا ساعتی بوده یا لحظه‌ای او را دیده، صحابی است.<sup>۳</sup> این تعریف، در حقیقت با معنای لغوی صحابه سازگاری دارد،<sup>۴</sup> ولی تعریفی افراطی از این واژه است که با عنایت به شرافت و عظمت پیامبر، چنین نگاه عام و توسعه یافته‌ای از صحابی ارائه شده است.<sup>۵</sup> بخاری و احمد بن حنبل، در حقیقت نماینده بسیاری از اهل حدیث هستند که چنین تعریفی را گفته‌اند.<sup>۶</sup> گروهی دیگر که شاید در اقلیت‌اند، نگاهی کاملاً حدیثی به معنای خاص آن داشته‌اند که در ادامه خواهد آمد. تعریف یاد شده با توجه به تعریف پیشین و تعاریف بعدی، تعریف ناقصی است.

## نگاه عرفی

۱. سعید بن مسیب گوید: صحابه کسی است که یک یا دو سال در محضر پیامبر بوده یا در یک یا دو غزوه شرکت داشته

۱. هذا علم كبير، عظيم الفائد (ر. ك: مقدمه ابن صلاح، ص ۱۴۷).  
۲. صحيح بخاري، ج ۴، ص ۱۸۸.

۳. المختاي، ص ۵۱.  
۴. خطيب بغدادی به نقل از قاضی ابوبکر محمد بن طیب بیان داشته که معنای یاد شده از صحابه، که در آن طول مصاحبت لحاظ نشده، در میان لغویان اجتماعی است (ر. ك: الکفایة، ص ۵۱). سخاوهای نیز گوید: صحابی به کسی اطلاق می‌شود که اقل معنای این اصطلاح را داشته باشد، تا چه رسید به کسی که مصاحبت طولانی داشته است (الاصابه، مقدمه محقق کتاب الاصابه، ج ۱، ص ۷). این در حالی است که برخی، ملازمت زیاد را مطابق معنای لغوی صحابه دانسته‌اند (ر. ك: قاسمی، قواعد التحذیث، ص ۲۰۸).  
۵. التقيید، ص ۲۳۳.  
۶. فتح المغیث، ص ۳۴۳.

است.<sup>۱</sup> در تعابیر برخی دیگر از علمای اهل سنت چون ماوردی، مجالست طولانی و مصاحبت اختصاصی میان صحابی و پیامبر در تعریف صحابه لحاظ شده است.<sup>۲</sup>

مبنای این تعریف، فهم عرفی از اصطلاح صحابه است.<sup>۳</sup> خطیب بغدادی ذیل معنای لغوی صحابه، آن را هر چند مطابق فهم عرفی دانسته، ولی گوید: برای همه ثابت شده که معنای عرفی از این اصطلاح، برای کسانی به کار می‌رود که مصاحبت آنان طولانی بوده و برکسی که یکبار دیداری کوتاه داشته و حتی یک روایت هم نقل کرده، استعمال نمی‌شود.<sup>۴</sup> بدیهی است این تعریف، ناقص است و دلیل آن، خروج بسیاری از صحابه است که در دایره زمانی و ویژگی خاص در تعریف یاد شده قرار نمی‌گیرند، مانند براء بن معاور،<sup>۵</sup> اسعد بن زراره،<sup>۶</sup> جریر بن عبدالله بجلی<sup>۷</sup> یا بسیاری از اعراب که پیامبر را تنها در حجه الوداع یا وفود دیده‌اند. از این رو، این تعریف مورد قبول علمای اهل سنت قرار نگرفته است و عراقی، انتساب این سخن را به سعید بن مسیب رد کرده؛ زیرا راوی آن واقدی است که از منظر محدثان تضعیف شده است.<sup>۸</sup>

۲. واقدی گوید: برخی از علماء، صحابی را چنین تعریف کرده‌اند: هر فرد بالغ که پیامبر را دیده و مسلمان شده و در امور دینی تعقل نموده و آن را پذیرفته باشد، هر چند تنها ساعتی (بخوان لحظه‌ای) از روز را در خدمت پیامبر بوده باشد.<sup>۹</sup>

قید بلوغ، بسیاری را از دایره اصحاب خارج می‌کند که بیشتر صحابه‌نگاران بدان ملتزم نشده‌اند؛ چراکه اجماع بر صحابی بودن آنان است، مانند امام حسن عسکری<sup>۱۰</sup> و امام حسین علیه السلام، عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عباس.<sup>۱۱</sup> عراقی، قید بلوغ را صحیح و شرط تعریف صحابه ندانسته<sup>۱۲</sup> و سیوطی آن را تعریفی شاذ شمرده است.<sup>۱۳</sup>

۳. صحابه کسی است که مجالست او با پیامبر - از سر اتباع و اخذ از او - طولانی بوده است. بنابراین، کسانی که تنها پیامبر را دیده‌اند، ولی بدون قصد تبعیت از او مجالست داشته یا مجالست آنان طولانی نبوده، بلکه بفاصله از او جدا شده‌اند، مانند وفود - هر چند حضرت رادر زمان بلوغ و سن بالا دیده باشند - صحابی نیستند.<sup>۱۴</sup> چنان‌که از انس پرسیدند: آیا از اصحاب رسول خدا علیه السلام کسی باقی مانده است؟ پاسخ داد: خیر. با اینکه بسیاری از اعراب که پیامبر را در حجه الوداع یکبار دیده و در آن زمان هم زنده بودند، وجود داشتند.<sup>۱۵</sup>

این تعریف را به اصولیان اهل سنت نسبت داده‌اند.<sup>۱۶</sup> این تعریف سوم نیز با نقصان بیشتر، چیزی جز همان تعریف نخست نیست. با این تفاوت که اگر در تعریف نخست، طول زمان معین شده بود، در این تعریف این حد نیز به ابهام بیان گردیده و عملاً صحابه‌نگاران را به اختلاف نظر درباره افراد می‌اندازد.

۱. الکفایه، ص ۵۰؛ مقدمه ابن صلاح، ص ۱۷۵؛ الاصبه، ج ۱، ص ۸؛ فتح الباری، ج ۳، ص ۷.

۲. الصحابي ان يتخصص بالرسول و يتخصص به الرسول عليهما السلام (ر.ک: تدریب الراوی، ج ۲، ص ۲۱۳؛ الاصبه، ج ۱، ص ۷).

۳. فتح الباری، ج ۷، ص ۳.

۴. الکفایه، ص ۵۱.

۵. وی از جمله نقایی دوازده گانه است که پیش از هجرت پیامبر به مدینه درگذشت (الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۴۶۵).

۶. وی به فاصله نه ماه پس از هجرت پیامبر به مدینه درگذشت (الاصبه، ج ۱، ص ۲۰۸). بنابراین، نه یک سال مصاحبت کرده و نه در غزوه‌ای حضور داشته است.

۷. وی کمی پیش از وفات پیامبر، مسلمان شد (ر.ک: التقید والایضاح، ص ۲۲۴).

۸. تدریب الراوی، ج ۲، ص ۲۱۲.

۹. الکفایه، ص ۵؛ التقید والایضاح، ص ۲۲۱.

۱۰. التقید والایضاح، ص ۲۳۱؛ الاصبه، ج ۱، ص ۸؛ تدریب الراوی، ج ۲، ص ۲۱۰.

۱۱. التقید والایضاح، ص ۲۳۱.

۱۲. تدریب الراوی، ج ۲، ص ۱۱۲.

۱۳. مقدمه ابن صلاح، ص ۱۷۵؛ التقید والایضاح، ص ۲۲۳؛ فتح الباری، ج ۷، ص ۳؛ تدریب الراوی، ج ۲، ص ۲۱۰ و ۲۱۱.

۱۴. التقید والایضاح، ص ۲۲۳؛ فتح الباری، ج ۷، ص ۳؛ نورالدین عنتر، منهج النقد في علوم الحديث، ص ۱۱۷.



## نگاه حدیثی

تعریف دیگری که نگاه حدیثی دارد و به برخی از اصحاب الحدیث اهل سنت نسبت داده شده، این است که افزون بر دیدار پیامبر در سن بلوغ یا تمییز، باید از آن حضرت روایت یا روایاتی نقل کرده باشند.<sup>۱</sup> بنابراین، اگر کسانی در سن بالا هم رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> را دیده، ولی روایت نداشته باشند، صحابی نیستند. همچنین طبعاً روایات افراد غیر ممیز از پیامبر، مرسل تلقی خواهد شد. افرادی چون یحیی بن معین، ابوزرعه، ابوحاتم رازی، ابوداد و عجلی، چنین شیوه‌ای را در شناخت و تمایز صحابه از تابعین دارند. از این‌رو، بسیاری از صحابه‌بالغ که رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> را دیده‌اند، به دلیل روایت نداشتن از آن حضرت، در شمار تابعین قرار گرفته‌اند.<sup>۲</sup>

## نگاه جامع

۱. تعریف چهارم، در حقیقت جمع ناقصی از تعریف‌های پیشین است که گوید: صحابه کسی است که یکی از این شروط در او باشد: طول مجالست، حفظ روایت، شرکت در غزوه.<sup>۳</sup> این تعریف نیز پذیرفته نشده است؛ زیرا کسی که مجالست کمی با پیامبر داشته و حدیثی از پیامبر حفظ نکرده یا اصلاً نشنیده و به دلایل گوناگون نتوانسته در غزوات شرکت کند، صحابی نیست. استثنای چنین اشخاصی، افراد قابل توجهی را در بر خواهد گرفت که بیشتر صحابه‌نگاران چنین افرادی را صحابی دانسته‌اند.

۲. جامع ترین تعریفی که بیان شده این است: «من لقی النبی فی حیاته مؤمناً به و مات علی الاسلام»؛<sup>۴</sup> یعنی صحابی کسی است که در زمان حیات پیامبر در حالی که به ایشان ایمان آورده پیامبر را ملاقات کرده و مسلمان نیز از دنیا رفته است. برخی اشاره کرده‌اند که این تعریف، برگرفته از سخن بخاری در ابتدای فضائل الصحابة است،<sup>۵</sup> ولی همان‌طور که گذشت، تعریف بخاری بخش نخست این تعریف بود.

قید ملاقات، اعم از این است که مجالست زیاد بوده یا کم؛ و نیز از آن حضرت روایت کرده یا خیر، و همچنین در غزوه‌ای بوده یا نه. حتی اگر آن حضرت را یکبار دیده، ولی مجالستی حاصل نشده یا به سبب عارضه‌ای مانند کوری، پیامبر را به چشم ندیده، ولی ملاقات صورت گرفته، تمام این افراد صحابی خواهند بود. از این‌رو، عبارت «لقی» به جای «رأی» دقیق‌تر است.<sup>۶</sup>

از ظاهر و بلکه صریح کلام ابن حجر برمی‌آید که منظور از قید «مؤمناً به»، ایمان واقعی نیست، بلکه منظور اسلام است؛ زیرا در ادامه گوید: بر اساس این قید، چنانچه کسی آن حضرت را در حال کفر دیده یا مسلمان شده، ولی ملاقات حاصل نشده است یا پس از وفات آن حضرت مسلمان شده، صحابی نیست. همچنین این قید شامل هر مکلفی از انس و جن می‌شود. ابن اثیر این موضوع را درباره جنیان پذیرفته و برابر موسی مدینی که برخی از آنان را نام برده، ایراد گرفته است، اما ابن حزم در بحث «اجماع و عدم امکان وقوعی آن» به داخل شدن جنیان تصریح کرده است.<sup>۷</sup>

قید «به» اهل کتاب را خارج می‌کند که آن حضرت را دیده، ولی به انبیای دیگر ایمان داشته‌اند.

قید «مات علی الاسلام» کسانی را که مرتد شدند، اخراج می‌کند مانند عبدالله بن جحش که پس از اسلام و مهاجرت به

۲. مقدمه تاریخ الثقات عجلی، ج ۱، ص ۹۸-۹۶.

۱. تربیت الراوی، ج ۲، ص ۲۱۲؛ مقدمه ابن صلاح، ص ۱۷۵.

۳. الاصلب، ج ۱، ص ۱۵۹.

۴. همان، ص ۱۵۸.

۵. فتح المغیث، ص ۳۴۳.

۶. منهج النقد في علوم الحديث، پاورقی محقق کتاب، ص ۱۱۶.

۷. الاصلب، ج ۱، ص ۱۵۸. او گفته است که وقتی جنیان نیز در شمار صحابه هستند، چگونه کسی می‌تواند اجماع امت را به دست آورد.

حبشه، نصرانی شد و بر همین آیین مرد. اما اگر کسی مرتد شد، ولی به اسلام بازگشت و مسلمان از دنیا رفت، آیا باز تعریف صحابه بر او صدق می‌کند یا نه؟ دو نظر است. نظر نخست که ابوحنیفه و شافعی بدان تصریح کرده‌اند، این است که اگر بازگشت به اسلام در زمان حیات رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> بوده، صحابی بودن صدق می‌کند، مانند عبدالله بن ابی سرح، ولی چنانچه پس از وفات باشد، مانند اشعت بن قیس خیر؛ زیرا ارتداد باعث احباط اعمال پیشین است.<sup>۱</sup> اما دیگران این سخن را پذیرفته‌اند و امثال اشعت را صحابی شمرده و حبط عمل را ناظر و مشروط به مرگ بر ارتداد دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

این تعریف اشکالات متعدد پیشین را ندارد، ولی در آن ابهاماتی هست که در عمل، تکلیف صحابه‌نگار را روشن نمی‌کند، حتی برای ابن حجر که بر اساس آن، کتاب الاصابه را بنا نهاده است، این مشکل وجود دارد. برای مثال،

۱. ملاقات و دیدن پیامبر از سوی افراد چگونه صدق می‌کند؟ یعنی اگر طفلی که یک هفته پیش از رحلت حضرت به دنیا آمده و او را نزد پیامبر برده‌اند و حتی رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> بر سر او دست کشیده و نامی برای او انتخاب کرده است، آیا ملاقات و رؤیت برای این طفل چند روزه صدق می‌کند؟ نوعاً کسانی چون ابن حجر، این افراد را در شمار صغیر صحابه قرار داده‌اند و برای توجیه دیدار، گفته‌اند که هر چند ملاقات و رؤیت از سوی طفل صدق نمی‌کند، اما از سوی پیامبر توجیه می‌شود و از این رو، صحابی، ولی از جهت روایی، تابعی هستند.<sup>۳</sup> اگر این توجیه صحیح باشد، اولًاً در عمل تناقض در تعریف صحابه و تابعین ایجاد می‌شود؛ زیرا با توجه به احکام خاصی که این دو گروه دارند، جمع دو تعریف صحابی و تابعی برای یک نفر امکان ندارد و کسی که صحابی شد، دیگر عدالت برای او ثابت است و از تیغ نظرات علمای جرج و تعذیل رها خواهد بود و اگر همان شخص هم تابعی باشد، باید از این حیث نقد شود و این در حقیقت جمع متناقضین است. ثانیاً بنا بر توجیه یاد شده، باید افرادی را که پیامبر آنان را دیده، ولی آنان در آن لحظه به دلایل گوناگون متوجه پیامبر نبوده و آن حضرت را ندیده‌اند، ولی در زمان حیاتش مسلمان شدند، نیز صحابی باشند، اما آیا کسی به این امر ملتزم شده است؟ آیا حقیقتاً همه آیات و احکام و فضائلی که برای صحابه است، برای این افراد هم می‌توان لحاظ کرد. بنابراین، شاهدیم که صحابه‌نگاران در خصوص شرافت و موهبت درک حضور پیامبر، گرفتار دو نگاه افراط و تفریطی شده است. عظمت این موهبت، برخی را واداشته تا مجالست طولانی و اختصاصی یا به عبارت دیگر یک یادو سال و شرکت در یک یا دو غزوه را شرط مصاحب قرار دهنده، و برخی دیگر را بر آن داشته که حتی یک لحظه دیدار با پیامبر را در هر سنی کافی برای صحابی شدن بدانند. از این روست که بیشترین اختلاف نظر میان صحابه‌نگاران، در بخش صغیر صحابه دیده می‌شود.<sup>۴</sup>

با توجه به مطلب یاد شده، شاید بتوان گفت جمع میان دو نظریه افراط و تفریط، قید «تمییز» و نه «بلغ» است. کسانی چون یحیی بن معین، ابوزرعه، ابوحاتم، ابوداود، ابن عبدالبر و علائی چنین رویه‌ای را دارند و با این نگاه است که در باره برخی چنین بیان داشته‌اند: «له رؤیة و ليست له صحة»،<sup>۵</sup> مانند محمود بن ربیع، عبیدالله بن معمر، عبدالله بن حارث بن نوفل، محمد بن ثابت بن قیس بن شماس، عبدالله بن شعبان بن صعیر، عبدالله بن عامر بن کریز و.... تمام این افراد، اطفالی بودند که حتی پیامبر بر سر آنان دست کشیده، نام گذاشته، آنان را تحنک و متبرک کرده، اما همه آنان در سنین پایین شاهد رحلت پیامبر بوده‌اند.<sup>۶</sup>

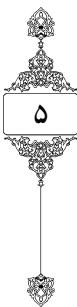
۱. فتح المغیث، ص ۳۴۳.

۲. المقید والايضاح، ص ۲۲۹-۲۳۰؛ الاصابه، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳. صحابی رؤیه و تابعی روایه، مانند عاذن بن خولانی که از علمای تابعین است و در زمان جنگ حنین به دنیا آمده است (ر.ک: الاصابه، ج ۱، ص ۱۵۹؛ مناوی، فیض القدیر، ج ۵، ص ۳۲). ذهیب پس از رد صحابی بودن چنین افرادی، از آنان به صحابی مقید (به خردسال بودن) تعبیر کرده است (سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۴۸۴ و ج ۴، ص ۴۱۹).

۴. ر.ک: المقید والايضاح، ص ۲۲۰.

۵. ر.ک: همان.



این رویه را صحابه‌نگارانی چون ابن حجر لاحظ نکرده‌اند. او در بخش دوم الاصابه که به صغار صحابه اختصاص دارد، افراد زیادی را که زیر حد تمیز بوده‌اند، نام برده است.

اشکال دیگر براین تعریف این است که آیا شرط دیدار در زمان حیات پیامبر، شامل قبل از بعثت نیز می‌شود؟ مثلاً آیا کسی که پیش از نبوت، رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> را دیده و پس از بعثت، مسلمان شده، ولی آن حضرت راندیده، صحابی است؟ ۲. درباره قید «مؤمناً به» که به معنای اسلام آوردن بود، باز این نکته مبهم است که آیا منافقانی چون عبدالله بن ابی در شمار صحابه هستند یا خیر؟ اگر فرض براین شد که این قید به معنای تشرف به اسلام است، علی القاعده باید منافقانی چون این فرد که شهادتین را گفته و چندین سال هم با پیامبر مجالست داشته و حتی در برخی از غزوات، مانند غزوه مرسیع حضور داشته است، صحابه باشند؛ در حالی که صحابه‌نگاران نام او را نیاورده‌اند. اگر هم منظور از این قید، شهادتین زبانی نیست، بلکه به همان معنایی است که در قرآن خطاب به اعراب آمده است «قَالَتِ الْأَغْرَابُ ءامَّةً قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُوْلُوا أَشْلَفْتَا وَلَمَّا يَنْخُلُ الْأَيْمَنُ فِي قُلُوبِكُمْ».<sup>۱</sup> اولاً بخلاف گفته صحابه‌نگاران است که در رد تعریف نخست بیان کرده‌اند و ثانیاً براساس این تعریف باید پذیرفت که صرف ملاقات و اسلام آوردن، کسی را صحابی نمی‌کند و رسیدن به آن همه فضائل و احکامی که در حق صحابه بیان کرده‌اند، به طی مراحل ایمانی نیاز دارد و این نکته، همان اختلاف اساسی و مبنایی میان اهل سنت و تشیع در تعریف صحابه و عدالت آنان است.

۳. از جمله موارد ابهام در تعریف ابن حجر این است که آیا دیدار کسانی مانند بحیرا که پیش از بعثت با آن حضرت ملاقات داشته و به این مطلب ایمان داشته‌اند که در آینده پیامبر مبعوث خواهد شد، صحابی بودن را ثابت می‌کند یا خیر؟ در این مطلب نیز اختلاف نظر است.

۴. همچنین آیا این تعریف شامل فرشتگان می‌شود یا خیر؟ زیرا پیامبر تنها پیامبر انسان‌ها که نیست. فرض اینکه برخی از فرشتگان نبوت پیامبر را قبول نداشته باشند که امکان ندارد، ولی براساس تعریف یاد شده، ایمان به پیامبر بدون روئیت، کسی را صحابی نمی‌کند، و گرنه بسیاری که زمان پیامبر را درک کرده و مسلمان هم شدند، اما توفیق دیدار برای آنان حاصل نشد، باید صحابی باشند؛ در حالی که صحابه‌نگاران حتی شخصی مانند اویس قرنی را که تا منزل پیامبر هم آمده ولی آن حضرت را ندید، صحابی نمی‌دانند. پرسش دیگر اینکه روئیت تمام ملائکه چگونه قابل توجیه و اثبات است؟

## تسمیه‌نگاری، مقدمهٔ صحابه‌نگاری

دانش صحابه‌نگاری، در قرن نخست هجری با فهرست نویسی و با عنوان تسمیه یا اسماء آغاز شد.<sup>۲</sup> تسمیه نویسی، در حقیقت شاخه‌ای از علم نسب یا حداقل برگرفته از آن است که در فرهنگ جاهلی وجود داشت. از این رو، تبیین نام و مشخصات فردی و قبیله‌ای اصحاب اهمیت می‌یافتد. به عبارتی، صحابه‌نگاری در واقع معجم نویسی صحابه بود.<sup>۳</sup> زمانی که سیره نویسی آغاز شد، کار فهرست نویسی از اشخاص به دلیل مشارکت آنها در جنگ‌ها، تعداد شهدا و کشته‌های هر قبیله و مسائلی از این قبیل، آغاز گردید. برای نمونه، بحث از اینکه چه کسانی در بیعت عقبه اول یادوم شرکت داشتند، چه کسانی در بدر شهید شدند و... این فهرست‌ها را در سیره ابن اسحاق و مغازی موسی بن عقبه مشاهده می‌کنیم.

۱. حجرات، ۱۴. ۲. سید محمد رضا حسینی جلالی، مقاله «التسميات طبیعة المؤلفات في الحضارة الإسلامية»، تراش، شماره ۱۵.

۳. در ادامه بحث به این موضوع می‌پردازیم.

فهرست نویسی صحابه، با آنچه از قبل در تسمیه نویسی بود، متفاوت شد و به عبارتی متحول و مستقل گردید. بخشن قابل توجه کتاب‌هایی که در تراجم راویان احادیث با عنوانین طبقات و تاریخ نوشته شده، به فهرست نام صحابه اختصاص دارد. واقعی پیشگام چنین تأیفاتی است. البته کتاب الطبقات او موجود نیست، ولی کاتب و شاگرد او، ابن سعد با تأییف الطبقات الکبری، بسیاری از مطالب واقعی را آورده است. ابن سعد در این کتاب با عنوان تسمیه از بیشتر اصحاب نام برده، گرچه تنظیم نام افراد، با شیوه الفبایی متفاوت است که بعدها پدید آمده و در طبقات، رنگ جغرافیایی و محلی دارد؛ مانند تسمیه من نزل مکة من اصحاب رسول الله ﷺ، تسمیه من نزل الطائف... و دیگر شهرهایی که صحابه به آنجا رفتند. ابن ابی خیثمه احمد بن زهیر بن حرب (م. ۲۷۹) نیز در کتاب التاریخ الکبیر معروف به تاریخ ابن ابی خیثمه از همین شیوه پیروی کرده است.

در کنار این گونه کتاب‌ها، کتاب‌های مستقلی نیز با عنوان تسمیه یا اسماء نوشته شده که قدیمی ترین و نخستین کتاب به این نام، از آن عبیدالله بن ابی رافع کاتب امام علی ؑ است که تسمیه من شهد مع امیر المؤمنین علی بن ابی طالب الجمل و صفين والنهروان نام دارد.<sup>۱</sup>

### صحابه نگاران پیشگام

برخلاف ابن حجر که بخاری را پیشگام صحابه نویسی دانسته،<sup>۲</sup> پیش از وی بسیاری به این کار پرداخته بودند. برخی از اسمای آنان تا پیش از ابن عبدالبر (م. ۴۶۳) چنین است:

۱. الصحابة، ابو عبیدة معمربن مثنی (م. ۲۰۸)
۲. الطبقات الکبری، محمد بن سعد (م. ۲۳۰)<sup>۳</sup>
۳. المعرفة، حلوانی، حسن بن علی (م. ۲۴۲)
۴. الصحابة، قاضی ابوسعید عبد الرحمن بن ابراهیم بن عمرو قرشی دمشقی معروف به دحیم<sup>۴</sup> (م. ۲۴۵)
۵. كتاب المعرفة في معرفة الصحابة، عباد بن يعقوب رواجنبی کوفی (م. ۲۵۰ یا ۲۷۱)
۶. اسماء الصحابة و كتاب التاریخ الکبیر، بخاری، محمد بن اسماعیل (م. ۲۵۶)
۷. الطبقات، مسلم بن حجاج نیشابوری (م. ۲۶۱)
۸. الصحابة، عمر بن شبه (م. ۲۶۳)
۹. الصحابة، ابو زرعة رازی (م. ۲۶۴)
۱۰. الصحابة، احمد بن سیار مروزی (م. ۲۶۸)
۱۱. الصحابة، ابو داود سلیمان بن اشعث سجستانی (م. ۲۷۵)
۱۲. الصحابة، ابو حاتم رازی، محمد بن ادریس (م. ۲۷۵)
۱۳. الصحابة یا تاریخ ابن ابی خیثمه، احمد بن زهیر بن حرب نسائی (م. ۲۷۹)
۱۴. معرفة الصحابة، عبدان، ابو محمد عبد الله بن محمد بن عیسی مروزی (م. ۲۹۳)

۱. الفهرست طوسي، ص ۱۷۵. اصل این کتاب از بین رفته، ولی قاضی نعمان مصری، آن را در کتاب خود، شرح الاخبار آورده است.

۲. ر. ک: اسد الغابة، ج ۱، ص ۷۵

۳. بدون تردید نویسنده این کتاب تنها به صحابه نپرداخته است، ولی بخش عظیمی از آن به صحابه اختصاص دارد.

۴. دحیم، تصغیر دحیمان به معنای خبیث است و قاضی ابوسعید از اینکه او را با این لقب می خوانده‌اند، ناراحت می شده است (الاسباب، ج ۲، ص ۴۶۱).



۱۵. الصحابة، مطین، ابو جعفر محمد بن عبدالله بن سلیمان حضرمی (م. ۲۹۷)
۱۶. کتاب الصحابة، محمد بن عبدالله بن سلیمان حضرمی (م. ۲۹۷)
۱۷. کتاب الصحابة، عسکری، ابوالحسن علی بن سعید (م. ۳۰۰ یا ۳۰۵)
۱۸. معرفة الصحابة، ابو منصور باورزدی،<sup>۱</sup> محمد بن سعد (م. ۳۰۱)
۱۹. معجم الصحابة، ابو یعلی موصلى، احمد بن علی بن المثنی بن یحیی بن عیسیی بن هلال تمیمی موصلى (م. ۳۰۷)
۲۰. معجم الصحابة، بَعْوَی، ابو القاسم عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز (م. ۳۱۷). از این کتاب تنها دو جزء آن (۱۰ و ۱۱) موجود بوده و در پنج جلد چاپ شده است. این کتاب، یکی از منابع مهم صحابه‌نگاران بعدی چون ابو نعیم و ابن عبد البر بوده است.
۲۱. کتاب الصحابة، ابن ابی حاتم، ابو محمد عبدالرحمان بن محمد بن ادریس (م. ۳۲۷)
۲۲. معجم الصحابة، ابن قانع، ابوالحسین عبدالباقي بن قانع بن مرزوق (م. ۳۵۱)
۲۳. معجم الصحابة (الحرف بالصحابه)، ابن سکن بغدادی، ابو علی سعید بن عثمان (م. ۳۵۳)
۲۴. تاریخ الصحابة، ابن حبان، محمد بن حبان بستی (م. ۳۵۴)
۲۵. معرفة الصحابة، طبرانی، ابو القاسم سلیمان بن احمد (م. ۳۶۰)
۲۶. الصحابة، ابو الفتح ازدی موصلى، محمد بن حسین بن احمد (م. ۳۶۷ یا ۳۷۴)
۲۷. تاریخ - معرفة - الصحابة، ابو احمد العسکری، حسن بن عبدالله (م. ۳۸۲)
۲۸. کتاب الصحابة، ابن شاهین، ابو حفص عمر بن احمد بن عثمان (م. ۳۸۵)
۲۹. معرفة الصحابة، ابن مَنْدَه، ابو عبدالله محمد بن اسحاق اصبهانی (م. ۳۹۵). این کتاب یکی از مهم‌ترین منابع صحابه‌نگاران بعدی است. بعدها، یکی از عالمان همین خاندان ابن مَنْدَه، با نام ابو زکریا بن مَنْدَه، یحیی بن عبدالوهاب بن محمد عبدالی اصبهانی (م. ۵۱۱) ذیلی بر کتاب معرفة الصحابة جدش با عنوان ذیل معرفة الصحابة نوشت.
۳۰. معرفة الصحابة، ابو نعیم اصبهانی، احمد بن عبدالله (م. ۴۳۰). درباره این کتاب توضیحاتی خواهد آمد.
۳۱. معرفة الصحابة، مستغفری، ابن معتز، ابوالعباس جعفر بن محمد بن مستغفری بن فتح نسفی (م. ۴۳۲)

### صحابه‌نگاری محلی

با گسترش اسلام، صحابه‌نگاری محلی نیز از قرن سوم رونق گرفت و بیشترین و بهترین کتاب‌هایی که درباره صحابه‌نگاری محلی نوشته شد، از آن علمای همان مناطق بود؛ چراکه نوادگان صحابه در آن شهرها بودند و از دیگران به میراث علمی و خانوادگی خود آگاهی بهتری داشتند. همچنین روایات آن اصحاب نزد مردم آن مناطق حفظ شده بود. از سویی صحابه‌نگاران محلی، تدوین این‌گونه کتاب‌ها را از وظایف دینی و ملی خود می‌دانستند. برخی از این کتاب‌ها عبارت اند از:

تسمیة من نزل الكوفة من الصحابة، ابو نعیم فضل بن دکین (۲۱۹-۱۳۰)

تسمیة من نزل البصرة من الصحابة، قومسی، نوح بن ابی حبیب (وی شاگرد عبدالرزاق صنعتی م. ۲۱۱ است).

۱. همان «ایبورد» از شهرهای خراسان است که بین سرخس و نسا قرار دارد (معجم البلدان، ماده باورد).

معرفة من نزل من الصحابة سائر البلدان، على بن مديني ابوالحسن على بن عبد الله بن جعفر بن نجح السعدي (۱۶۱-۲۳۴). وی یکی از برجسته ترین علمای جرح و تعدیل است که نظرات او درباره رجال احادیث، همیشه مورد استناد علمای رجال قرار دارد. آفابرگ تهرانی او را نخستین صحابه‌نگار دانسته است.<sup>۱</sup> کتاب او، از منابع ابن منده، ابوونعیم و دیگر صحابه‌نگاران بوده است.

تسمیه من نزل حمص من اصحاب رسول الله ﷺ یا تاریخ الحفصین، ابوبکر احمد بن محمد بن عیسیٰ بغدادی (م. ۲۵۷)

تسمیه من نزل الشام من الصحابة، ابن سمیع، ابوالحسن (ابوالحسین) محمود بن ابراهیم (م. ۲۵۹)

تسمیه من نزل فلسطین من الصحابة، ابن قادم رملی، موسی بن سهل الدئلی (م. ۲۶۰)

تسمیه من نزل الشام من اصحاب رسول الله ﷺ من الانصار وقبائل الیمن، ابوزرعة دمشقی، عبدالرحمان بن عمرونصری (م. ۲۸۱)

تسمیه من نزل من الصحابة حمص خاصة، حِمْصَی، قاضی ابوالقاسم عبدالصمد بن سعید بن عبد الله (م. ۳۲۱ یا ۳۲۴) الصحابة المصريين، ابن قدید، ابوالقاسم علی بن الحسن بن خلف بن قدید مصری (۳۱۲-۲۲۹). مغلطای در الاتابه از آن نام برده است.

تسمیه من نزل من الصحابة مصر یا تاریخ الصحابة اللذین نزلوا مصر، چیزی، محمد بن ریبع بن سلیمان (م. ۳۲۱). ابن حجر بیش از سی بار از کتاب او در الاصابه نام برده است.

تاریخ الرقة و من نزل من الصحابة والتابعين به، قُشیری حَرَانِی، ابوعلی محمد بن سعید بن عبدالرحمان (م. ۳۳۴)

تاریخ ابن یونس (القسم الاول: تاریخ المصريين)، ابن یونس، ابوسعید عبدالرحمان بن احمد بن یونس بن عبدالاعلی الصدفی المصري (۳۴۱-۲۸۱). با یک جستجوی ابتدایی دریافتیم که در الاصابه، ابن حجر بیش از پنجاه بار از نام برده و موردنی یافت نشد که نظر ابن یونس را نقد کرده باشد.

تاریخ دارتا و من نزل بها من الصحابة والتابعين بها، ابن مهنا، ابوعلی الخولانی الدارانی، عبدالجبار بن عبدالله بن محمد بن عبدالرحیم بن داود (م. ۳۷۰)

تسمیه من نزل خراسان من الصحابة، ابوعبد الله الحافظ حاکم نیشابوری محمد بن عبدالله (م. ۴۰۵). این کتاب باید همان تاریخ نیشابور یا بخشی از آن کتاب باشد.

من دخل الیمن من الصحابة، عرشانی یمنی، صفائی الدین، احمد بن علی بن ابی بکر (م. ۵۹۰)

در السحابة فیمن دخل مصر من الصحابة، جلال الدین سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۹۱۱-۸۰۹)<sup>۲</sup>

عنوان النجابة فی تاریخ من دفن فی المدینة من الصحابة، رافعی، مصطفی بن محمد بن عبدالله

در السحابة فیمن دخل المغرب الاقصی من الصحابة، محمد بن احمد بن عبدالقادر عسکری (۱۱۵۰-۱۲۳۹)

## شكل‌گیری مجموعه‌های بزرگ

معرفة الصحابة و معجم الصحابة عنوانی است که برای مجموعه‌های بزرگ تر انتخاب شد. آثار صحابه‌شناسی، ابتدایی‌تر با عنوان اول و اندکی بعد برای مراجعته سهل تر، بر اساس معجم و به این نام، نوشته شدند. در قرن سوم علی بن مديني (م. ۲۳۴)، حلوانی حسن بن علی (م. ۲۴۲)، عَبَادَ بن یعقوب رواجنبی (م. ۲۵۰ یا ۲۷۱)، عَبْدَان، ابومحمد عبدالله بن محمد بن

۱. ذیل کشف الطنون، ص. ۳۰.

۲. این کتاب، تلخیص کتاب تسمیه من نزل من الصحابة مصر، نوشته محمد بن ریبع بن سلیمان چیزی (م. ۳۲۱) است، ولی سیوطی سیصد نفر دیگر از صحابه را بدان افزوده است.



عیسی مَرْوَزی (م. ۲۹۳) و در ابتدای قرن چهارم ابو منصور باورُدی کتاب‌های خود را با عنوان معرفة الصحابة نوشته‌اند. نخستین کتاب در این باره با عنوان معجم الصحابة، از ابو یعلی موصلى (م. ۳۰۷) است.

در معجم نویسی، گاه ترتیب حروف در حرف اول رعایت می‌شد و گاه در تمام حرف اول و تمام حروف بعدی، که مورد اخیر بیشتر از قرن ششم به بعد رایج بوده است. در دو اثر بزرگ ابن‌اثیر و ابن‌حجر، عنوان «معرفة» همچنان حفظ گردید.

### جایگاه صحابه از منظر اهل سنت

آنچه با عنوان اجماع اهل سنت یا اجماع امت<sup>۱</sup> مشهور و پذیرفته شده، این است که تمام کسانی که مصداق آن تعریف مشهور درباره صحابه هستند، عادل و اهل بهشت‌اند.<sup>۲</sup>

پرداختن به این بحث، از حوصله این نوشتار خارج است،<sup>۳</sup> ولی به طور خلاصه شناخت صحیح اندیشه اهل سنت درباره صحابه و قانون عدالت صحابه مبنی بر فهم صحیح سه واژه صحابه، اجماع امت و عدالت، و سپس دلایل این اندیشه و قانون است.

با توجه به مباحث پیشین، درباره معنا و مفهوم صحابه از بحث نخست صرف نظر و در اینجا تنها به دو نکته اشاره می‌کنیم:

### صحابه

پیش از این ملاحظه شد که افراد قابل توجهی از تابعین و علمای دیگر اهل سنت، معنای صحابه را، آن معنای موسّعی که ابن حجر به مشهور نسبت می‌داد، نمی‌دانستند. بنابراین، حکم عدالت از منظر آن افراد شامل همه صحابه نمی‌شود؛ زیرا در حقیقت از این منظر آن افراد صحابه نیستند.

### اجماع امت

اجماع امت که مدعای آنان است، در این مسئله حاصل نیست. حتی اگر تعریف صحابه را آن‌گونه پسنداریم که ابن حجر بیان کرده و به قریب به اتفاق اهل سنت نسبت داده است و همچنین امت را اهل سنت بدانیم؛ زیرا افراد و مذاهب دیگر در این موضوع نظرات دیگری دارند. نخستین کسانی که این قانون را به شدت رد کرده‌اند، خود صحابه هستند. عایشه معاویه را فاجر<sup>۴</sup> و جابر و ام سلمه بیعت با او را بیعت با ظلمه دانسته‌اند<sup>۵</sup> و علی<sup>۶</sup>، عمر، ابی مسعود، ابی عمر، عثمان، زبیر، عایشه و

۱. تصریح ابن عبدالبر چنین است: «...لاجماع اهل الحق من المسلمين و هم اهل السنة والجماعة على انهم كلهم عدول» (الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۲۹). ابن صلاح گوید: «ان الامة مجتمعة على تعديل جميع الصحابة» (مقدمه ابن صلاح، ص ۳۰۳؛ التقید والايضاح، ص ۲۳۷). ابن حجر نیز گوید: «اتفاق اهل السنة على ان الجميع عدول و لم يخالف في ذلك الا شذوذ من المبتدعة» (الاصبه، ج ۱، ص ۱۶۲).

۲. مقدمه ابن صلاح، ص ۳۰۲؛ الاصبه، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۳.

۳. در این باره صرف نظر از مقدمه‌هایی که نویسنده‌گان کتب صحابه‌نگاری گفته‌اند، نوشته‌های گوناگون دیگری به طور مستقل به این بحث پرداخته‌اند که برخی از آنها عبارت‌انداز؛ نظریه عدالة الصحابة والمرجعية الميساوية في الإسلام، نوشته المحامي احمد حسين يعقوب و ترجمه آن به همت مسلم صاحبی و نیز مالک محمودی؛ دراسات في الحديث والمحدثين، هاشم معروف الحسني؛ عدالت صحابه در ميزان كتاب و سنت، نوشته غلامرضا کارдан؛ عدالت صحابه (گفتگوی مذاهب)، نوشته زمانی؛ صحابه از دیدگاه نهج البلاغ، نوشته داود الهامی؛ صحابه در قرآن، نوشته سید ضياء الدين عليا نسب؛ الصحابة، نوشته سید علی حسینی میلانی و کتاب‌هایی از مستبصرین مانند تیجانی، ادريس حسينی مراكشی، شیخ محمد مرعی الامین، صالح الورDani وغیره.

۴. ابو ریه، شیخ المضیره ابوهیره، ص ۱۸۳. ۵. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۹۷ و ۱۹۸.

برخی دیگر از صحابه، ابوهریره را تکذیب کرده‌اند.<sup>۱</sup> ابن عبدالبر برای ابطال حدیث «اصحابی کائنجوم»، ۳۵ روایت نقل کرده است که صحابه یکدیگر را تکذیب می‌کرده‌اند.<sup>۲</sup> منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت، به تواتر این مطلب را رسانده‌اند که کار صحابه از تکذیب یکدیگر گذشته و به لعن و سبّ و حتی تکفیر و قتل یکدیگر رسیده است. برای اینکه قانون عدالت و تقدس صحابه مخدوش نشود، تنها راهی که برای علمای اهل سنت باقی مانده این است که بگویند تمامی این گزارش‌ها ساختگی است و میراث علمی ما ارزش اعتماد به آنها را ندارد یا اینکه مشاجرات صحابه به ما ربطی ندارد و نباید در آنها دخالت کرد. بنابراین، معلوم نیست آیا آیاتی که اهل سنت مدعی‌اند در تقدس تمام صحابه نازل شده و نیز روایات رسول خدا ﷺ که امت را از هر گونه تعرض به صحابه بر حذر داشته، به گوش این صحابه رسیده است یا خیر؟ شاید تنها امت پس از صحابه به عمل کردن این آیات و روایات تکلیف شده‌اند!<sup>۳</sup>

مازَرِی<sup>۴</sup> در شرح البرهان گوید: منظور ما از عدالت صحابه، تمام کسانی نیست که یک روز یا یک لحظه پیامبر را دیده‌اند، بلکه منظور کسانی هستند که ملازم حضرت بوده و او را گرامی داشته و یاری اش رسانده و از آن نوری که بر او نازل شده، پیروی کرده‌اند. آنان رستگاران هستند.<sup>۵</sup> ابوحنیفه، تمام صحابه را عادل دانسته است، به جز چند نفر از جمله ابوهریره، سمرة بن جندب و انس بن مالک.<sup>۶</sup> شافعی نیز اعتقاد داشت که شهادت چند نفر از صحابه مقبول نیست و آنان عبارت‌اند از: معاویه، عمرو بن عاص، مغیره و زیاد بن ابیه.<sup>۷</sup>

همچنین شمول قانون عدالت تمام صحابه، درباره کسانی که وارد فتنه‌ها از زمان مقتل عثمان به بعد شده‌اند، اختلافی است. برخی بر اساس توجیه اجتهاد صحابه، آنان را باز هم عادل<sup>۸</sup> و برخی فاسق<sup>۹</sup> و مستحق خلود در جهنم<sup>۱۰</sup> دانسته‌اند و گروهی با تعبیر مختلف، به تفحص اثبات بقای عدالت نظر داده‌اند.<sup>۱۱</sup> از این‌رو، عراقی اجماع امت را بر عدالت کل صحابه صحیح ندانسته است.<sup>۱۲</sup> ابن عماد حنبلی ذیل شأن و رود حدیث محشر<sup>۱۳</sup> که به صراحت، بر قانون عدالت کل صحابه خط بطلان کشیده است، می‌گوید: این مطلب درباره افرادی چون حکم بن ابی العاص، ولید بن عقبه، مروان و مانند اینها وارد شده است.<sup>۱۴</sup> نفتازانی<sup>۱۵</sup>، مازری و شوکانی و از معاصران، علامه شیخ صالح مقبلی (م. اوایل قرن دوازدهم)، شیخ محمد عبده و شیخ رشید رضا، بر عدالت جمیع رأی نداده‌اند.<sup>۱۶</sup> محمود ابوریه نیز این قانون را به عنوان نظر غالب صحیح دانسته

۱. دراسات في الحديث والمحدثين، ص ۹۴ و ۹۵. ۲. ر.ک: جامع بيان العلم و فضله، ج ۲، ص ۹۳-۸۵.

۳. برای تفصیل مطلب ر.ک: بحث صحابه از منظر صحابه.

۴. ابو عبدالله محمد بن علی بن عمر تمیمی مازری صقلی مالکی، م. ۵۲۶. شرح حال او را بنگرید در: سیر اعلام البلا، ج ۲۰، ص ۱۰۴-۱۰۷.

۵. الأصحاب، ج ۱، ص ۱۶۳؛ تدریب الروای، ج ۲، ص ۲۱۴-۲۱۵. جملات اخیر آیه ۱۵۷ سوره اعراف است: ...فَالَّذِينَ ظَمَّنُوا يَهُ وَعَزَّزُوهُ وَنَصَرُوهُ وَأَتَبْعَوُ اللُّؤْرَ الَّذِي أَنْتُمْ مَعَهُ...أَوْ أَتَيْكُمْ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

۶. شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۶۸؛ شیخ المضیه ابوهریره، ص ۱۴۷.

۷. شیخ المضیه ابوهریره، ص ۱۸۳. به نقل از المختصر ابوالفاداء.

۸. مقدمه ابن صلاح، ص ۳۰۳؛ تدریب الروای، ج ۲، ص ۲۱۴. ابن عبدالبر با تعبیر «ان الصحابة كلهم عدول» این دو گروه را بیان کرده و ابن صلاح با اتخاذ این اندیشه، عدالت گروه دوم را با عبارت «...وَمِنْ لَابِسِ الْفَتْنَ مِنْهُمْ كَذَالِكَ» تبیین کرده است (النقید والايضاح، ص ۲۳۷). بر اساس این اندیشه، ارتکاب قتل، آن هم قتل عثمان که به یقین مهاجران و انصار و دیگران در آن شرکت داشتند و به آن راضی بودند، هیچ‌کس را از عدالت خارج نمی‌کند!

۹. النقید والايضاح، ص ۲۳۷.

۱۰. النقید والايضاح، ص ۲۳۷. آن‌گونه که شیخ مفید گفته است، معتزله، عایشه، طلحه و زبیر را به دلیل توبه استثنای کرده‌اند. (ر.ک: الجمل، ص ۶۵-۶۶).

۱۱. النقید والايضاح، ص ۲۳۷؛ فتح المعیت، ص ۳۴۹-۳۵۰. شیخ مفید در کتاب جمل، ص ۶۸۵؛ اندیشه‌های کلامی فرق مختلف مسلمان را درباره صحابه و دیگران که در جنگ‌ها وارد شده‌اند، آورده است.

۱۲. النقید والايضاح، ص ۲۳۷.

۱۳. منظور حدیثی است که پیامبر در آن فرموده است: «...فَاقْولُ يَا رَبِّ اصْحَابِي فِي الَّذِي لَمْ اتَدْرِي مَا حَدَثَنَا بَعْدَكَ».

۱۴. شذرات الذهب، ج ۱، ص ۲۷۹. محقق شذرات در پاورقی این مطلب گوید: این مطلب ضرری به اجماع علمای اهل عدالت صحابه نمی‌زند؛ زیرا این قانون ناظر بر اغلب صحابه است، نه گروهی اندک. این توجیه صحیح نیست؛ زیرا به هر حال قانون را از کلیت اندخته است.

۱۵. شرح المقاصد، ج ۵، ص ۳۱۱-۳۱۲. عبقات الانوار، ج ۱، ص ۹۱؛ دراسات في الحديث والمحدثان، ص ۷۳.

است؛ چراکه قرآن به صراحة وجود منافقان را در میان صحابه تأیید کرده است.<sup>۱</sup> روشن است تمام این مطالب با توجه به تفسیر امت به اهل سنت بود و نظر مخالفان آنان در این بحث مورد توجه نبوده است.

## مفهوم عدالت

برای عدالت شش معنا بیان شده است.<sup>۲</sup> از این معانی، منظور اهل سنت از عدالت صحابه، عصمت آنان نبوده و چنین برداشتی صحیح نیست<sup>۳</sup> و هیچ یک از علمای اهل سنت چنین ادعایی را برای تعریف عدالت نکرده است؛ زیرا صرف نظر از آیاتی که صحابه را چند دسته کرده که یکی از آنان منافقانی هستند که در جهنم تا ابد خواهند بود، اولاً منابع اهل سنت، بسیاری از گناهان بزرگ و کوچک برخی از صحابه را روایت کرده‌اند. ثانیاً با فرض عصمت صحابه، معنا نداشت اهل سنت از پرداختن به عیب‌های صحابه منع کنند. از این رو، در تفسیر «وَالَّذِينَ أَتَبْغُوْهُمْ بِإِحْسَنٍ»<sup>۴</sup> گفته‌اند شرط وجود و رود به بهشت برای تابعین، تبعیت از صحابه در افعال خوب و نیکوی آنان و پرهیز از اعمال بد و زشت آنان است یا اینکه آنان را به نیکی یاد کنند و از هر آنچه بدی آنان است، سخن نگویند.<sup>۵</sup> بنابراین، معنای عدالت باید همان باشد که محدثان درباره روایان منظور کرده‌اند که حاصلش این است: انسان مسلمان بالغ عاقل که واجبات را نجام می‌دهد و از فسق و امور غیر طبیعی و غیر عادی سلامت باشد و برگناه - چه صغیره و چه کبیره - اصرار نداشته باشد.<sup>۶</sup>

با این حال، معامله‌ای که اهل سنت، در عمل با صحابه دارند، چیزی کمتر از عصمت نیست. برای نمونه، ابن حجر ذیل مدخل مروان بن حکم می‌گوید: چنانچه صحابی بودن او ثابت شود، دیگر طعن‌ها در او اثری ندارد.<sup>۷</sup> ابوریه پس از این سخن ابن حجر گوید: گویا صحابی بودن، همان نبوت است یا صحابی معصوم است که چنین می‌گوید.<sup>۸</sup> عبارت تفتازانی نیز به نوعی عصمت برای برخی از صحابه اشاره دارد. وی در توجیه مشاجرات و منازعات صحابه تا حد ظلم و فسق به دلیل حسد و کینه و ریاست طلبی و میل به لذات و شهوت گوید: زیرا چنین نیست که هر صحابی معصوم باشد<sup>۹</sup> و هر که پیامبر را دیده، به نیک‌کرداری مشهور باشد.<sup>۱۰</sup> وقتی آنان کسی را که به عدالت صحابه اعتقاد نداشته باشد و بر صحابه طعن وارد کنند، کافر و زندیق و غیره می‌دانند، آیا اعتقاد به عدالت صحابه را در حد اعتقاد به خدا و رسول و معاد قرار نداده‌اند؟!

## دلایل عدالت همه صحابه

أهل سنت برای اثبات این قانون به برخی از آیات و روایات استدلال کرده‌اند.

### الف) آیات

أهل سنت معتقد‌ند که خداوند بر اساس آیات ذیل به طهارت و پاکی صحابه و ورود تمامی آنان به بهشت صریحاً شهادت داده است.<sup>۱۱</sup> این آیات را می‌توان به دو دسته عام و خاص تقسیم کرد. آیات عام، آیاتی است که ظاهرش تمام

.۲. ر.ک: تدریب الراوی، ج ۲، ص ۲۱۵-۲۱۶.

.۱. محمود ابوریه، اضواء على السنة المحمدية، ص ۲۴۲.

.۳. خلاصة عبقات الأنوار، ج ۱، ص ۹۱. .۴. تربیه، .۱۰۰.

.۵. ر.ک: تفسیر البغوي، ج ۲، ص ۳۲۲؛ تفسیر القرآن العظيم، ج ۴، ص ۳۶۳؛ تفسیر المسعاني، ج ۲، ص ۳۱۲.

.۶. ر.ک: الکفایه، ص ۱۰۰. خطیب بغدادی تعاریفی را که از بزرگان اهل سنت نقل شده آورده است. نیز ر.ک: سید ضیاء علیاً نسب، صحابه در قرآن، ص ۴۳-۴۵.

.۷. مقدمه فتح الباری، ص ۴۴۳.

.۸. اضواء على السنة المحمدية، ص ۳۴۹.

.۹. شرح المقاصد، ج ۵، ص ۳۱۰-۳۱۱.

.۱۰. گواینکه غالباً معصوم هستند!

.۱۱. الکفایه، ص ۶۴-۶۳؛ مقدمه ابن صلاح، ص ۳۰۲؛ الاصبه، ج ۱، ص ۱۶۳-۱۶۴.

صحابه را در بر می‌گیرد و آیات خاص، آیاتی است که ویژگی خاصی برای برخی از اصحاب ذکر کرده است. دسته اول آیات ذیل است:

۱. كُنْتُمْ حَيْرَ أَمَّةً أَخْرِجْتُ لِلنَّاسِ...<sup>۱</sup>
۲. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أَمَّةً وَسَطَلْتَكُنُوا شَهِيدًا عَلَى الْأَنَابِينَ وَيَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...<sup>۲</sup>
۳. يَأَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنْ أَتَبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ<sup>۳</sup>
۴. مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعْهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَنْتَغِيرونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثْرِ السُّجُودِ...<sup>۴</sup>

دسته دوم آیات عبارت اند از:

۵. لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يَبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ...<sup>۵</sup>
۶. وَالسَّبِيلُونَ أَلَّا يَلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ أَتَبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعْدَاهُمْ جَنَّتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَرُ حَلِيلِينَ فِيهَا أَبْدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ<sup>۶</sup>
۷. لِلْفَقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أَخْرِجُوا مِنْ دِيْرِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبَتَّغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَأَتَيْكُمُ الْأَصْدِيقُونَ<sup>۷</sup>
۸. وَالَّذِينَ ظَاهَرُوا وَهَا جَرَوْا وَجَهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ظَاهَرُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرَزْقٌ كَيْمٌ<sup>۸</sup>
۹. لَا يُسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَتَلَ أَوْلَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَفَتْلُوا وَكُلُّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ حَسِيرٌ<sup>۹</sup>

تفصیل کیفیت استدلال با این آیات برای عدالت همه صحابه، از حوصله این نوشتار خارج است.

## ب) روایات

مشهورترین روایاتی که اهل سنت برای قانون عدالت صحابه به آنها استناد کرده اند،<sup>۱۰</sup> عبارت اند از:

۱. اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم.\* این روایت، هم از نظر سند و هم متن تضعیف شده است. از جهت سند بسیاری از علمای اهل سنت آن را رد کرده اند، از جمله: احمد بن حنبل، مزنی شاگرد خاص شافعی، بزار، ابن عدی، دارقطنی، ابن حزم، بیهقی، ابن عبدالبر، ابن عساکر، ابن جوزی، ذهبی، ابن قیم جوزیه، زین الدین عراقی، ابن حجر عسقلانی، شوکانی، سخاوهی، و سیوطی.<sup>۱۱</sup> از نظر متن، ذیل بحث اجماع امت گذشت که ابن عبدالبر در چند صفحه به رد این حدیث پرداخته است و گوید: اگر هدایت درگرو اقتدا به هر یک از صحابه می بود، معنا نداشت آنها نظرات یکدیگر را تخطیه کنند. این موضوع با عقل نیز نمی سازد. چگونه می تواند دو مطلب ضد هم ثواب و هدایت باشد؟! این مسئله ای است که فرد عاقل آن را تجویز نمی کند تا چه رسد به عالم.<sup>۱۲</sup>

۱. آل عمران، ۱۱۰.

۲. بقره، ۱۴۳.

۳. فتح، ۲۹.

۴. توبه، ۱۰۰.

۵. حشر، ۸.

۶. انفال، ۶۴.

۷. فتح، ۱۸.

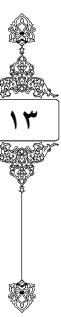
۸. انفال، ۷۴.

۹. ر.ک: المکفای، ص ۶۵-۶۷؛ مقدمه ابن صلاح، ص ۳۰۳؛ المقید والایضاح، ص ۲۳۷؛ الاصبه، ج ۱، ص ۱۶۵.

\* اصحاب من چون ستارگانند که هر کدام را پیشوا قرار دهید هدایت شده اید!

۱۱. عقات الانوار، ج ۳، ص ۱۳۰ به بعد. رساله مستقلی نیز سید علی حسینی میلانی درباره این حدیث نوشته که در آخر کتابش به نام الامامة فی اهم کتب الکلامیة و عقیدة الشیعة الامامية و نیز در رسائل العشر فی الاحادیث الموضوعة فی کتب السنة، الرسالۃ الاولی، قم، انتشارات یاران، ۱۴۱۸ به چاپ رسیده است.

۱۲. ر.ک: جامع بیان العلم و فضله، ج ۲، ص ۸۵-۹۳.



۲. لاتسبوا اصحابی فوالذی نفسی بیده لو ان احدکم انفق مثل أُحد ذهباً ما ادرك مد احدهم ولا نصیفه.\* این فرمایش رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> زمانی بیان شده است که خالد بن ولید به عبدالرحمان بن عوف بی ادبی کرد. از این رو، در نقد این روایت گفته‌اند که پیامبر با این سخن، تعریف خاصی از صحابه ارائه داده است؛ چراکه خالد بن ولید را از شمار اصحاب خود خارج کرده، با اینکه خالد اندکی پیش از فتح مکه اسلام آورده بود. از این رو، مصدق روایت عموم صحابه نیست، بلکه افراد خاصی از سابقین صحابه است.<sup>۱</sup>

۳. ان الله اختار اصحابي على التقليين سوى النبيين والمرسلين. ابو حاتم رازى، ابو زرعه<sup>۳</sup> نسائى<sup>۴</sup> وذهبى<sup>۵</sup> این روایت را از روایات ساختگی دانسته‌اند. صرف نظر از سند، به یقین عمومیت هم ندارد؛ زیرا همان طور که در روایت ذیل خواهد آمد، ابن عبدالبر به حضور افرادی از صحابه اعتراف کرده که منافق، فاسق، سارق، زانی و مرتکب کبیره بوده‌اند و چگونه خداوند این افراد را می‌تواند بر ثقلین مقدم نماید؟! از نشانه‌های ساختگی بودن این روایت این است که در ادامه، اسماء خلفا را به ترتیب خلافت چنین آورده است: «اختار من اصحابي ابابکر و عمر و عثمان و علياً».<sup>۶</sup>

۴. خير الناس قرنى ثم الذين يلونهم.<sup>۷</sup> ابن عبدالبر گوید: این سخن هر چند بر عموم دلالت دارد، منظور خصوص فضلاً اصحاب است؛ زیرا در یک قرن انسان‌های فاضل و مفضول جمع می‌شود و در قرن آن حضرت، در کنار سابقین از مهاجران و انصار، منافقان که تظاهر به ایمان می‌کردند و گروهی که گناهان کبیره انجام دادند و بر آنان یا برخی از آنان حدود جاری شد و شرابخوار و دزد و زانی بودند، وجود داشت<sup>۹</sup> و به خالد که در قرن آن حضرت بود خطاب می‌کند: «لاتسبوا اصحابي» و بار دیگر به خالد که به عمار توهین کرده بود، فرمود: «لاتسب من هو خير منك». <sup>۱۰</sup> با وجود این افراد، توجیه سخن پیامبر به اعتبار این است که گروهی اسلام را وقتی غریب بود یاری کردندا و از بذل جان و مال دریغ ننمودند و اسلام را که همه تکذیب می‌کردند اینان تصدیقش نمودند.<sup>۱۱</sup> این توجیهی برخلاف معنای ظاهری قرن است که سال‌های پس از پیامبر رانیز در برابر می‌گیرد و همین قرن نخست، مشحون از حادثه‌های تلخ و بسیار فاجعه‌آمیز برای اهل سنت و شیعه، مانند قتل عثمان، شهادت امیر المؤمنان و فاجعه کربلا واقعه حرّه و تخریب کعبه و ده‌ها جنایت دیگر است و عمر بن عبدالعزیز می‌گفت: اگر تمام امتها انسان‌های خبیث خود را بیاورند، حجاج بن یوسف بر تمام آنان غلبه خواهد کرد.<sup>۱۲</sup> صرف نظر از این، توجیه یاد شده به شهادت تاریخ، تمام صحابه را در برنمی‌گیرد. بنابراین، کلام رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> ناظر به تمام صحابه نیست و عدالت تمام صحابه را ثابت نمی‌کند.

نتیجه حکم به عدالت صحابه، احکام ذیل است:

۱. روایتشان مقبول است و نباید از عدالت‌شان تفهیص کرد؛ زیرا آنان حاملان شریعت‌اند و چنانچه در روایات‌شان توقف شود، شریعت به زمان پیامبر منحصر خواهد شد.<sup>۱۳</sup>

۲. تخطیه و تضعیف آنان جایز نیست و هیچ‌کس حق بازگو کردن عیب‌های ایشان را ندارد. احمد بن حنبل گوید: کسی

\* اصحاب مرا دشتم ندهید. قسم به آنکه جانم در دست اوست اگر هر یک از شما به اندازه کوه أُحد طلا بخشش کند به منزلت یکی از اصحاب و حتی نصف آن مقام و موقعیت کسب نمی‌کند.

۱. ر.ک: حسین بن فرحان مالکی، الصحبة والصحابة، ص: ۴۹؛ ابن ابی العز حنفی، شرح العقائد الطحاویه، ص: ۵۲۹؛ صالح الورданی، دفاع عن الرسول، ص: ۱۷۹.

۲. همانا خداوند اصحاب مرا از تمام انس و جن به جز پیامبران برگزیده است.

۳. سیر اعلام البلا، ج: ۱۰، ص: ۴۱۵-۴۱۴.

۴. تهذیب التهذیب، ج: ۵، ص: ۲۳۷.

۵. میزان الاختلال، ج: ۲، ص: ۴۲۳.

۶. طبری، صریح المسنة، ص: ۲۲.

۷. استدلالات قرآنی و روایی را بنگرید در: الاستیعاب، ج: ۱، ص: ۱۱۸-۱۲۸.

۸. بهترین مردم معاصران جیعنى اصحاب ج من هستند. سپس آنان که بعد از آنان خواهند آمد.

۹. ر.ک: ادامه نوشتار بحث صحابه از منظر صحابه.

۱۰. التمهید، ج: ۲۰، ص: ۲۵۱.

۱۱. همان.

۱۲. تاریخ الاسلام، ج: ۶، ص: ۳۲۳؛ البداية والنهاية، ج: ۹، ص: ۱۵۲.

۱۳. مقدمه الاستیعاب، ج: ۱، ص: ۲۵.

که چنین کند، باید تأدیب شود و اگر توبه نکرد، باید آن قدر در حبس بماند تا بمیرد.<sup>۱</sup> ابوزرعه گفته است: چنین شخصی زندیق و کافر و بدون تردید از دین خارج است،<sup>۲</sup> و آن‌گونه که مالک گفته است، هیچ حقی از غنایم مسلمانان نخواهد داشت<sup>۳</sup> و باید در خوردن و آشامیدن او مشارکت نمود و جنازه‌اش در مقابر مسلمانان دفن شود!<sup>۴</sup>

این همه اصرار و افراط غالباً برخی از اهل سنت بر عدالت و طهارت صحابه، بدان دلیل است که گفته‌اند صحابه، واسطه میان ما و قرآن و رسول خدا ﷺ هستند. آنان بر حق‌اند و کسی که بر صحابه نقص و عیب‌جویی روادارد، می‌خواهد واسط و شهود مأ و در نتیجه قرآن و رسول خدا ﷺ را ابطال کند و این چنین افرادی که زنادقه‌اند، خود سزاوار ابطال‌اند.<sup>۵</sup> چنین برخورد خشن و افراطی با مخالفان نظریه عدالت همه صحابه، به تعبیر مرحوم هاشم معروف الحسنی، نوعی فتنه‌انگیزی و آشوبگری است<sup>۶</sup> و حکم به تکفیر بسیاری از مسلمین خواهد بود که آیات و روایات نبوی، این کلیت را تأیید نمی‌کند و عمل صحابه، به‌ویژه خلفاً و نظر بسیاری از بزرگان اهل سنت خلاف آن شهادت می‌دهد.<sup>۷</sup> فتوای تکفیر اهل قبله، نظر اجتهادی بیش از چند نفر از اهل سنت نیست و نظر بسیاری از بزرگان اهل سنت برخلاف آن است. برای نمونه، شیخ‌الاسلام تقی‌الدین سُبْکی، در پاسخ به استفتایی درباره تکفیر اهل قبله پاسخ داده است: بدان ای برادر! تکفیر مؤمنان بسیار سخت است و هر آنکه ایمان در قلبش باشد، تکفیر گروه‌هایی را که شهادتین می‌گویند، امری بسیار عظیم می‌داند؛ چرا که تکفیر، امری هولناک و بسیار خطرناک است. آن‌گاه در عظمت و خطر تکفیر مطالب زیادی بیان کرده است.<sup>۸</sup> ابن حزم نیز گوید: گروهی چنین نظر داده‌اند که هیچ مسلمانی به سبب اعتقادات و فتواهایش کافر و فاسق نمی‌شود؛ زیرا هر که در این دو اجتهاد کرده باشد و پندارد که بر حق است، مأجور است. اگر به صواب رفته دو پاداش و اگر به خطأ رفته یک پاداش به او داده خواهد شد. این نظر ابن‌ابی‌لیلی، ابوحنیفه، شافعی، سفیان ثوری، داود بن علی و هر صحابی پیامبر است که در این مسئله سخنی گفته است و در این موضوع هیچ اختلاف نظری نیست.<sup>۹</sup> ابوالحسن اشعری نیز هنگام وفات، تمام اصحاب خاص خود را جمع کرد و به آنان گفت: شاهد باشید که من هیچ یک از گروه‌های مسلمان را کافر نمی‌دانم.<sup>۱۰</sup> علامه شرف‌الدین، نظر تعداد دیگری از عالمان بزرگ اهل سنت و نیز برخی از صحابه، مانند ابوبکر و عمر و تابعین مانند ابن‌شهاب زهری و ابن‌سیرین و عمر بن عبد‌العزیز را درباره اهل قبله آورده است.<sup>۱۱</sup>

### جایگاه صحابه از منظر شیعه

شیعه با اینکه مصاحبت با رسول خدا ﷺ را شرافتی عظیم می‌داند و به پیروی از آیات و روایات پیامبر ﷺ و اهل‌بیت ﷺ، احترام و جایگاهی خاص برای آنان، و حتی بر اساس آیه تطهیر، به عصمت برخی از صحابه قائل است، ولی این بدان معنا نیست که تنها به صرف دیدار با رسول خدا ﷺ هر چند یک لحظه باشد، بلایا تقدس عصمت و عدالت به تن هر صحابی کرده باشد، بلکه آنان را چون دیگران نگاه می‌کند که در برابر عدل و فسق مساوی هستند و هر کدام شرایط خاص خود را دارد.<sup>۱۲</sup>

۱. صالح الورDani، عقائد السنة و عقائد الشيعة، ص ۱۳۸.

۲. الاصبه، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۳.

۳. مقدمه الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۶-۲۷. به نقل از شفاء قاضی عیاض، ولی یافت نشد.

۴. احمد حسین یعقوب، مساحة للحوار، ص ۲۵۳.

۵. الکفایه، ص ۱۶۳-۱۶۴. در اساتیزه‌ای از احادیث و محدثین، ص ۷۵.

۶. برای آگاهی از این مطلب، ر.ک: شرف‌الدین عاملی، الفصول المهمة في تأليف الإمام، ص ۱۵۶-۱۶۱. ۷. الفصول المهمة، ص ۳۸.

۸. همان، ص ۴۲.

۹. همان، ص ۴۸-۴۹. در بحث صحابه از منظر صحابه و تابعین از نوشته حاضر، روایات این باب خواهد آمد.

۱۰. همان، ص ۱۶۲.

۱۱. ر.ک: همان، ص ۱۶۲.

۱۲. الرعاية لحال البداية في علم المدرائية، شهید ثانی، ص ۱۶۲.